

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۹ مارچ ۲۰۱۸

عشق "مأموره" و "قدوس" سیلی محکمی بر دهان تجزیه طلبان

یکشنبه- ۲۷ حوت ۱۳۹۶- کابل: از طریق رسانه ها اطلاع یافتیم که در ولایت بامیان "مأموره" دختری پشتون تبار که عاشق پسری هزاره تبار به نام "قدوس" شده بود، بعد از فرار از خانه پدر، همراه با "قدوس" مشترکاً جهت عقد عروسی و فرار از تعقیبات ضد انسانی خانوادگی، به ولایت بامیان نزد مقامات اداری رفته، خواهان عقد نکاح رسمی می گردند.

والی بامیان "طاهر زهیر" که از جمله بقایای باندخلاق است و اینک سنگ حزب وحدت را بر سینه می زند، به جای آن که از این حرکت استقبال نموده با بستن پیمان ازدواج بین آنها، به علاوه تأمین حق طبیعی دو انسان، گامی در جهت به هم آمیزی اقوام مختلف کشور بردارد، دختر فرار کرده از خانه پدر یعنی "مأموره" را به خانه پدرش جایی که مرگ در انتظارش است می فرستد و پسر را که جرأت نموده با دختری از قوم دیگری نرد عشق باخته، تصمیم به ازدواج با وی بگیرد، با غل و زنجیر روانه زندان می نماید.

اینک تنی چند از بیکاران و مشاطه گرانی که تولد شان را زیر نام "جامعه مدنی" و امثالهم مرهون اشغال افغانستان هستند، وزوز می کنند که گویا "طاهر زهیر" ناموس هزاره را به باد داده و "مأموره" ناموس هزاره و کسی بوده که به هزاره پناه آورده است. در این جا من به علت آن که واقعاً وقت ندارم و ترس قطع برق و ادارم می سازد تا هر چه زودتر به اصل مطلب بپردازم، نه بر حرکت والی مکث می نمایم و نه هم به وزوز افرادی از جامعه مدنی و معیار فئودالی و ارتجاعی آنها می پردازم بلکه، تصمیم والی "طاهر زهیر" را بر مبنای سیاست رسمی و عملی استعمار گران نقطه گذاری می کنم باشد در آینده بیشتر به آن پرداخته شود:

این را همه می دانیم که اشغالگران جهت تحکیم پایه های اشغال و دوام وضعیت مستعمراتی کشور، یکی از اهدافی را که همیشه تعقیب می نمایند، ایجاد نفاق، شقاق و تفرقه بین باشندگان این سرزمین به بهانه های زبان، مذهب، نژاد، قوام و ... می باشد. این را هم می دانیم که طی چهل سال گذشته، این سیاست از طرف تمام زمامداران شدت بیشتر یافته، برای عده ای از آنها به خاک سپردن فرزند شان آسانتر است تا دفن نفاق های قومی، زبانی و مذهبی. این را هم می دانیم که در سالهای قبل از چهاردهم گذشته، در جامعه ما ازدواج ها برون از مناسبات قومی و زبانی و مذهبی در حدی پیش رفته بود که در کمتر خانواده ای به خصوص در شهر کابل می شد یک فامیل "خالص" یافت.

وقتی اینک "مأموره" و "قدوس" عاشق همدیگر می شوند، آنها تنها به ندای قلب هایشان گوش نمی دهند، بلکه به نداء و ضرورت زمان که رفتن به طرف وحدت ملت است، نیز گوش می دهند. اینجاست که پیوند دو قلب در تقابل با پروژه های صد ها میلیارد دالری اشغالگران یعنی ایجاد نفاق قرار می گیرد. والی ولایت که موظف است سیاست های دولت دست نشانده را عملی نماید، حتما اگر خودش هم بخواهد و خوب به مسایل پناه آوردن و ارزش فئودالی متعاقب آن نیز پی برده باشد، از طرف باداران اشغالگرش اجازه ندارد با رسمیت دادن از دواج آن دو دلداده، خشتی در جهت ایجاد وحدت اقوام بگذارد. ورنه:

دیده شود چه می شود!!